سینما

شبه گفت‌وگویی با سامان مقدم

من با نسل جوان حرف دارم

امیرحسین رسائل

اشاره

با سامان مقدم گفت‌وگو کردیم. در جایی از گفت‌وگو، بحث به جایی رسید که نمایش تقابل میان نسل ها را در فیلم «سیاوش» مقدم، با فیلم «مرد آهنین» آندره وایدا مقایسه کردیم که چگونه در چند دیالوگ کوتاه نمایان شده بود. سامان مقدم در این هنگام خندید و گفت: «خوب به هر حال وایدا یک مقدار نسبت به من فیلمساز بهتری است».

این اعتماد به نفس مقدم جالب است. چرا که او در یک مصاحبه دیگر هم خود را با چند فیلمساز مطرح ایران مقایسه کرد و گفت که به هر حال فیلم اول من از فیلم های اول همه آنان بهتر است. البته پربیراه نرفته بود. اما اگر فیلم دوم مقدم در حدود، «قیصر»، «گاو» و «شازده احتجاب» از آب درنیاید...

از همه چیز با سامان مقدم صحبت شد. حتی از تبلیغات بد فیلم که باعث ریزش طبقه ای از مخاطبان آن می شود. از طرف دیگر قرار بود که این مصاحبه نیز همچون مصاحبه های معمول دیگر از پرسش ها و پاسخ ها تشکیل شود. ولی تصمیم ما برگشت. دیدیم این حرفها را باید در قالب دیگری زد. به هر حال گذشته از این که این مطلب گفت‌وگوی یک روزنامه نویس با یک فیلمساز است، گفت‌وگویی است میان دو جوان درباره محیط زندگی و اجتماع جوانانه!

گروه ادب و هنر

سامان مقدم برخلاف بسیاری از کارگردانان اول که از طریق سینمای کودک و نوجوان یا جنگ در سال های اخیر، وارد عرصه فیلمسازی شده اند، از راه دیگری وارد سینما شد. او، حتی چون دیگر فیلمسازانی که در تجربه اول سراغ تهیه کننده بخش خصوصی می روند، فیلمی حادثه ای یا کمدی را براساس حضور یک بازیگر مطرح کارگردانی نکرد. مقدم حتی ادعا می کند که من فیلم خود را براساس حضور یک بازیگر محبوب هم نساخته ام. گرچه حضور هدیه تهرانی در فیلم او از عوامل استقبال از «سیاوش» است، اما او می گوید که من هرگز شخصیت «هدیه» را محور داستان قرار نداده ام و در بسیاری از بخش ها، فیلم و به خصوص در میانه داستان که حضور پررنگ او می توانست بر جذابیت های فیلم بیفزاید، از این کار پرهیز کردم. حتی برخلاف خواست تهیه کننده که دوست داشت فیلم براساس حضور هنرپیشه ای چون «هدیه تهرانی» طراحی شود، من حاضر به قبول نشدم و براساس فیلمنامه، پیش رفتم.

اما نکته جالب این که مقدم فیلم خود را به نوعی متعلق به سینمای جنگ می داند. البته براساس تعریفی که او دارد «سیاوش» متعلق به دوره سوم سینمای مؤثر از جنگ و در حقیقت سینمایی است که به پیامدهای جنگ در جامعه می پردازد.

نسلی وجود دارد که درگیر جنگ نشدند و آنان همین جوان های امروز هستند و ما داریم تأثیر مستقیم جنگ را به روی آنها می بینیم و من فکر می کنم هر هنرمندی در جامعه احساس می کند که این موضوع باید بازتر طرح شود

مقدم می گوید: «سینمای جنگ تصویرهای گوناگونی در جامعه دارد. دوره ای بود که جنگ میان قهرمانان اسطوره ای ایرانی و «بدمن های» عراقی جریان داشت و این نوع سینما معروف به سینمای جنگ بود. ولی در یک دوران این مرحله سپری شد و ناگهان نوع سینمای ملاقلی پور و حاتمی کیا شکل گرفت که دیدگاهی حقیقی تر داشتند. البته من فکر می کنم سطح ممیزی سینما هم که در دوران های مختلف متغیر بوده است بر شیوه نگرش فیلمسازان ما تأثیر گذاشته است».

مقدم در مورد دلایلی که فیلم او را می توان در گروه سینمای متأثر از جنگ قرار داد، می گوید: «به هر حال در هر جامعه ای، نسل های گوناگونی وجود دارد. مثلاً نسلی در انقلاب و جنگ شرکت کرده و خود در بطن ماجرا حضور داشته است. اما نسلی وجود دارد که درگیر جنگ نشدند و آنان همین جوان های امروز هستند و ما داریم تأثیر مستقیم جنگ را به روی آنها می بینیم و من فکر می کنم هر هنرمندی در جامعه، فیلمساز، نقاش، شاعر احساس می کند که این موضوع باید بازتر طرح شود».

اما نکته ای که در مورد فیلم «سیاوش» وجود دارد، اینکه این فیلم به لحاظ نوع نگرشی که به موضوع جنگ دارد، به هر حال با موضع رسمی نهادهایی که متولی سینمای جنگ هستند، مغایرت دارد. از این رو امکان بهره گرفتن از حمایت ها و یارانه های دولتی سینمای جنگ برای این فیلم وجود نداشت. در این جاست که مقدم به عنوان یک کارگردان اول ناگزیر می شود با تهیه کننده بخش خصوصی که تنها امید او فروش گیشه است، همکاری کند و این امر به حتم بر نوع پرداخت فیلم تأثیر خواهد گذاشت. به خصوص که یک کارگردان اول، چنین موضوعی را برگزیده است.

او در این باره می گوید: «من گمان نمی کنم تهیه کننده فیلم هم برای ساخت «سیاوش» تصور انجام یک ریسک بزرگ را داشت. چیزی که مطرح بود اینکه یک فیلمساز ناشناس قرار است چنین مسأله ای را طرح کند. یک موضوع حساس درباره جنگ و نسل امروز».

مشکل اصلی در مورد «سیاوش» این است که تهیه کننده آن با توجه به سابقه تولیدات سینمایی خود نشان داده است که به هر حال متکی به گیشه است. از این رو اعتماد یافتن نسبت به بازگشت سرمایه برای جلب او اولویت دارد.

مقدم در این باره عقیده دارد: «سیاوش» این اطمینان را به لحاظ فروش در خود فیلمنامه به همراه دارد. نه به دلیل کنسرت های زیاد که در فیلم وجود دارد یا موسیقی آن بلکه من فکر می کنم تصویر کردن ارتباط دو نسل پدر و پسر که از یکدیگر جدا افتاده اند، می تواند تماشاگران را جذب کند. من حتی معتقدم که اگر کنسرت های فیلم را کم یا حذف می کردیم، به فروش فیلم کمک هم می شد. از سوی دیگر نیز من معتقدم اقتدار تهیه کننده این فیلم نیز بسیار در شکل گیری آن مؤثر بود. یعنی اگر من سراغ یک تهیه کننده ای می رفتم که او هم کار اول یا دومش بود این فیلم هرگز پروانه ساخت نمی گرفت».

سامان مقدم در ساخت فیلم اول خود برخلاف عده ای دیگر از سینماگران ایران به سراغ سینمای خاص هم نرفته است؛ سینمایی که مخاطبان اندک، ولی حضور بین المللی فراگیری دارد. او به سراغ سینمایی رفته که قصد گفتن داستانی را برای مخاطبان بسیار دارد، تا از خلال آن به اهداف خود نزدیک شود.

خود او می گوید: «این نگرش بازمی گردد به محیطی که من در آن رشد کرده ام و فضای زندگی من و سینمایی که من با آن رشد کرده ام. همه اینها مرا به رسیدن به یک نگاه خاص کمک کرده است. حالا شاید این نگاه با ارزش هم نباشد. اما نگاه من به نسل خودم، به جوان امروز و به تهران امروز است. یعنی همین چیزی که در «سیاوش» وجود دارد و بعد هم در «پارتی» خواهید دید (فیلمی که هم اکنون مقدم در انتظار دریافت پروانه ساخت آن است). این گونه است که تصور اینکه این زاویه نگاه را در قالب مخاطب خاص بگنجانم، برایم امکان پذیر نیست. من دوست دارم نگاه من، مخاطب داشته باشد. من به مخاطب فراوان احتیاج دارم و به مخاطب جوان. زیرا با او حرف دارم»

اما مشکلی که درباره طرح این موضوع - تقابل و اختلاف نسل ها - وجود دارد، آن است که موضوع در کوران ماجرا برای سازنده فیلم و بیننده طرح می شود و این ارائه موضوع را با مخاطراتی مواجه می سازد.

مقدم می گوید: «دلیل اینکه ما مقدمه ای برای طرح موضوع نمی چینیم یا به گذشته برای تبیین آن بازنمی گردیم، شاید این باشد که طرح آن امروز هم دیگر خیلی دیر است. یعنی سال ها از آغاز و پایان جنگ گذشته است. در حالی که هنوز تأثیر آن در گونه های مختلف هنری بررسی و ارایه نشده است. سال هاست که شاهد تأثیرهای مخرب جنگ بر نسل جوان هستیم. بی آنکه متوجه آن باشیم و به آن بپردازیم. اما اینکه چرا طرح آن یک مقدار بی مقدمه و به همراه ذوق زدگی است، فکر می کنم به آن خاطر باشد که ناگهان فضا باز شد و این بغض که در گلو مانده، تبدیل به فریاد شده است. حالا ممکن است این فریاد لکنت داشته باشد».

❑❑❑

سامان مقدم حتی تأکید دارد که فیلم او می تواند جزو پیکره سینمای جنگ باشد. مگر چه ایرادی دارد؟

اما موضوع اینجاست که «سیاوش» با آن تعریف رسمی که از سینمای جنگ وجود دارد، منطبق نیست. خود او هم به این موضوع واقف است. چراکه اگر فیلمی بخواهد از یارانه های سینمای جنگ استفاده کند، ناگزیر است فیلمنامه را برای بررسی به شورایی خاص ارایه دهد که در این صورت به یقین فیلم «سیاوش» مورد قبول آن شورا قرار نمی گرفت. از جهت دیگر داستان فیلم «سیاوش» هم بسیار بعید و تا حدودی اغراق آمیز به نظر می آید. یعنی اختلاف «سیاوش» با پدرش به حدی عمیق است که در نگاه اول باورپذیر نیست. در خود فیلم هم به این تفاوت دیدگاه اشاره شده است که سیاوش می گوید او - پدر - چگونه می تواند بپذیرد، پسرش مطرب شده است؟ سامان مقدم تا حدودی با این تعریف موافق است و می گوید: «من اما به این دره عمیق موجود در میان سیاوش و پدر او بیشتر اعتقاد دارم و اتفاقاً اگر در فیلم این موضوع اغراق شده، بجا بوده است. زیرا پدری که در سال ۵۹ یا ۶۰ اسیر می شود با چه ذهنیتی رفته است و حالا وقتی در سال ۷۷ به تهران بازمی گردد، چه مقدار از آن آرمان ها و تصاویری که در ذهن داشته محقق شده است. حتی هم نسلان پدر هم با یکدیگر مشکل دارند. از طرفی مادر با زمان جلو رفته است و خود را منطبق با تغییرات زمان کرده است و از طرف دیگر پدر حضور دارد که با ذهنیتی فریزشده ناگهان به زمان حال آمده است».

اما برخلاف بسیاری از اَشکال که این فرد - پدر - در محیط کنونی خود می بیند که در مغایرت با آرمان های از پیش تدوین شده او قرار دارد و باید دست به مقابله و مبارزه برای تحقق آنها بزند، در «سیاوش» او علاقه ای به مبارزه و مقابله با وضعیت موجود ندارد. بلکه فرزند او - سیاوش - با تفکر نسل پیش خود تعارض دارد و با آن به مقابله پرداخته است، این امر بعید به نظر می آید و احساس می شود که این پدران هیچ گونه تأثیری نتوانسته اند بر پسران خود بگذارند.

مقدم، اما می گوید: «این حد اختلاف به نظر من بعید نیست. من حتی می گویم پدرانی که اسیر و زندانی نبودند ولی در جنگ شرکت کردند و بعد هم متوجه تغییرات زمان شدند نیز می توانند با پسران خود اختلافات عقیده ای بنیادین داشته باشند».

یکی از مشکلات فیلم «سیاوش» برای تبیین حد اختلاف میان نسل ها، این است که فقط سیاوش از خود و نیازهای خود می گوید و جای جای فیلم اعلام می کند که از موقعیتی که در آن قرار دارد ناراضی است. در حالی که دیدگاه ها و خواست های پدر در اثر مشخص نیست. از این رو احساس می شود که سیاوش به عنوان نماینده نسل پسران از وضعیت موجود ناراضی است و سکوت پدر دلیلی می شود بر رضایت او.

مقدم در این باره می گوید: «اگر من می خواستم که وارد جزییات شوم بخشی از ماجرا لو می رفت و از ابتدا معلوم می شد که او پدر سیاوش است، اما اینکه می گویید پدر شخصیت گنگی دارد، من هم قبول دارم. برای همین من تنها کاری که می توانستم انجام دهم این بود که پدر سخن نگوید و تبدیل به شخصیتی نمادین از نسلی شود که حالا بعضی نمی گذارد، خود را بیان کند».

❑❑❑

مقدم قصد دارد برای نخستین بار حق استفاده از کپی رایت (یک قطعه موسیقی فرنگی) را بپردازد و برای استفاده در فیلم اخیر خود «پارتی» آن قطعه موسیقی را خریداری کند. در فیلم «سیاوش» هم شاهد بهره گرفتن از موسیقی خارجی گروه های معروف در جاهایی از فیلم بودیم. به طور کلی گذشته از آنکه سیاوش آهنگساز است استفاده از موسیقی در فیلم از جنبه های گوناگونی صورت گرفته است. اصلاً احساس می شود که مقدم علاقه خاصی به موسیقی دارد؛ آن هم از انواع غیرایرانی آن. حتی می گوید که در ساخت قطعات موسیقی فیلم، او و «کارن همایونفر» - (آهنگساز سیاوش) - سعی کرده اند کاری متفاوت با آنچه مرسوم است، ارایه دهد.

وقتی از او پرسیدم چرا آهنگسازی را برای شخصیت فیلم برگزیده، می گوید: «می خواستم شخصیت، آرتیست باشد، یعنی نسبت به محیط خود حساسیت داشته باشد. در یکی از صحنه های فیلم، سیاوش می گوید، من خیلی عکس و اسلاید از جنگ و آواره های جنگ دارم. دوست داشتم که هنگام اجرای موسیقی اینها روی یک پرده سفید پشت سرهم می آمدند. در واقع یک جوری موسیقی و جنگ و درد به این شکل یکی می شود. از طرفی اگر سیاوش یک دانشجو یا یک هنرمند معمولی بود، هرگز نگران نبود که اگر پدر، برگردد، نتواند او را و رفتار خود را بپذیرد. در حالی که او یک جوان کاملاً امروزی است. به خاطر همین است که از موسیقی سنتی ما آنقدر فاصله دارد که من هم فاصله دارم. من، خود وقتی موسیقی سنتی ایرانی گوش می کنم، به نوعی دچار رخوت می شوم. پس از پنج دقیقه خوابم می گیرد. چراکه موسیقی من نیست و نه تنها موسیقی سنتی، بلکه موسیقی لس آنجلسی هم موسیقی من نیست. از این رو با کارن همایونفر فکر کردیم باید نوعی از موسیقی را ارائه کنیم که مورد قبول این نسل باشد».

به مقدم می گویم، تو فقط بر سلیقه خودت پافشاری می کنی در حالی که بسیاری از طبقات همین نسل هم به انواع آن نوع موسیقی که تو دوست نداری، علاقه مند هستند و او می گوید: «امیدوارم که آن گروه به دیدن فیلم من نروند!»

گرچه خواست مقدم یا هر کارگردان دیگر، در این زمینه تأثیر ندارد و مخاطبان هرفیلمی را که بخواهند، خواهند دید. ولی باید دید که چرا این قدر سامان مقدم بر موسیقی، در فیلم تأکید دارد. شاید به خاطر جذابیت فوق العاده سینمایی آن باشد... «نه من موسیقی و کنسرت را مطلقاً برای جذابیت برنگزیدم. می توانست به جای آن یک تئاتر دانشجویی هم قرار بگیرد. چراکه من بیشتر می خواستم حساسیت این شخصیت و درگیری های درونی او را تصویر کنم. سیاوش اصلاً با نوعی از عقیده مشکل دارد. او حتی با حمید که هم نسل اوست، نیز مشکل دارد. او اگر با حمید کتک کاری می کند، فقط به خاطر عشق و علاقه ای که به هدیه دارد، نیست. بلکه او نماینده یک نسل متحجر را که با زمان جلو نیامده است، کتک می زند».

ولی همین فصل کتک کاری در فیلم سیاوش، از بخش هایی است که بیشترین لطمه را به فیلم وارد کرده است.

از سویی، احساس می شود که گنجاندن و تأکید بر چنین رفتاری در فیلم، یک تمهید تجاری است؛ برای اینکه فیلم از این گونه هیجان هم بی بهره نباشد و از سوی دیگر این رفتار با شخصیتی که از سیاوش از ابتدای فیلم تصویر می شود، مغایرت دارد. چراکه او نباید به هر دلیلی از همان روش برای احقاق حقوق خود و به کرسی نشاندن عقیده خود بهره گیرد که متحجران استفاده می کنند. این ها را مقدم هم قبول دارد که در زمانه ای که تمامی تبلیغات بر این محور است که انسان ها به جای رفتارهای خشونت آمیز باید به گفت‌وگو بپردازند، نباید این شخصیت را وادار به کتک کاری می کرد. ولی او این نکته را هم قبول ندارد که سیاوش به خاطر عشق با حمید دست به گریبان می شود.

اگر هدف کارگردان «سیاوش» نیز این بود که علل دعوای دو جوان را موضوعی غیر از عشق معرفی کند، ولی نهایت امر این است که بیننده این دعوا را پس از آن مقدمه عاشقانه و تصاویر کارت پستالی و پاکت پر از غنچه گل که سیاوش به «هدیه» هدیه می کند. کتک کاری را با انگیزه عشق می پندارد.

اما مقدم در این باره یک سئوال را مطرح می کند: «خود را جای چنین شخصیتی قرار دهید! بخصوص که هنرمند هم هست. اصلاً یک نقاش یا یک نویسنده که دست های ظریفی دارد و معتقد است که نباید برای رسیدن به نظر خود، دست به چنین اعمال غیرمتمدنانه ای بزند. ولی در موقعیتی خاص دختری را که او دوست دارد و قصد دارد با او ازدواج کند، در مقابل چشمانش کتک می خورد، او چه عکس العملی باید از خود نشان دهد؟ من تمام این ها را در زندگی واقعی ترسیم می کنم. چرا که شاید در سینما بگوییم که نباید این گونه باشد. بیا یک لحظه خود را در این موقعیت قرار دهیم. واقعاً چه خواهیم کرد ...».

در فیلمنامه «سیاوش» این صحنه - کتک کاری - به این شکل، وجود نداشت. در فیلمنامه این گونه است که حمید و سیاوش به دنبال هم در پارک کوهستانی جمشیدیه، مدت ها می دوند. از پله های سنگی بالا می روند و از کوه نیز می گذرند تا جایی که به بالاترین نقطه ممکن می رسند. اما دیگر هیچ کدام رمقی برای کتک کاری با یکدیگر ندارند. ولی در عمل موفق به فیلمبرداری این صحنه به این شکل نشدند. درست یک روز پیش از آغاز فیلمبرداری در پارک جمشیدیه، اداره برق منطقه، برق پارک را به مدت یک ماه به علت پرداخت نکردن پول برق و بالا رفتن بدهی قطع کرد. این گونه بود که ماجرا دگرگون و به کتک کاری ختم شد. اما هیچ کدام از این موضوع ها که همواره دامنگیر سینمای ایران است، نمی تواند دلیل قانع کننده ای باشد. چرا که شخصیت فیلم «سیاوش» با آن تفکراتی که از او تصویر می شود، در نهایت نباید دست به مقابله قهرآمیز بزند: «من فکر می کردم که سیاوش انتقام خود را از یک نسل متحجر جوان می گیرد. حالا ممکن است این در فیلم درنیامده باشد».

❑❑❑

«هدیه متعلق به طبقه متوسط و نسل سیاوش است».

اما این شخصیت که اتفاقاً بازی خوب هدیه تهرانی هویت خاصی به آن بخشیده تصویری بزرگ منشانه و متفرعنانه از خود ارایه می دهد. ولی مقدم با این عقیده موافق نیست و این برداشت را حاصل خصوصیات بازی هدیه تهرانی می داند. اگر این گونه باشد نیز باز دلیلی بر توانایی این بازیگر است. چراکه احساس می شود این شخصیت باید چنین برخوردی داشته باشد.

«البته تا حدودی این گونه است. یعنی آن تردید تحقیرآمیزی که می گویی در ابتدا وجود دارد، در همان فصلی که سیاوش در ابتدای فیلم از ماشین پیاده می شود و اصرار دارد که با این خانم ارتباط برقرار کند، نگاه های هدیه تحقیرآمیز است. نگاه یک زن ۳۰ ساله به یک بچه ۲۰ ساله که حالا دارد ابراز عشق هم می کند. اما مشکل این جاست که سیاوش گذشته از آنکه با پدر و کنسرت موسیقی مشکل دارد، وارد جریان یک عشق هم شده است که شکل بیان عواطف خود را با زنی که از او هم بزرگتر است، ندارد. شاید مشکل من این بود که در این فیلم فکر می کردم هرچه بلاست باید سر سیاوش بیاورم ... حتی در عشق».

عکس ها از: علی نیک رفتار

علی قربان زاده در فیلم سیاوش

محمود کلاری و سامان مقدم پشت صحنه فیلم سیاوش

هدیه تهرانی در فیلم سیاوش

برای اولین بار در ایران
جشن بزرگ دوقلوهای مشابه
بدون شرط سنی
با حضور مستربین ایران و بهمراه برنامه های شادشاد
زمان : جمعه ۱۴ آبان ۷۸ ساعت ۲۰ - ۱۷
جهت تهیه بلیط به خ انقلاب ، سینما فردوسی مراجعه نمایید.
تلفن : ۸۸۲۹۷۸۵
3681